

فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال ششم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۲-شماره پیاپی ۲۲

سوگ و مصادیق آن در شعر فارسی تا قرن ششم

(ص ۴۲-۲۳)

علی آقایی جودکی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۲/۱۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۸/۴

چکیده:

ادبیات فارسی آیینی تمام نمای اندیشه های بلند و مضامین و معانی ظریف و لطیف شاعران و نویسندگان پارسیگوست. سوگ یکی از این مضامین ظریف و بسیار مهم در شعر فارسیست که از دیرباز مورد توجه گویندگان بوده. سوگواری و عزاداری در شعر شاعران زبان فارسی قابل بررسیست. در این مقاله سعی کرده ایم که ابتدا بررسی پیشینه سوگ در ایران و سپس به انواع سوگ و مصادیق آن در شعر شاعران فارسی زبان تا قرن ششم پردازیم. بعبارت دیگر میخواهیم پاسخگوی این سؤال باشیم که آیا شاعران دوره مذکور در شعر خود بموضوع سوگ توجه داشته اند یا نه؟ اگر داشته اند کدام نوع بیشتر مورد توجه بوده؟

برای بررسی موضوع مورد نظر از منابعی که به این موضوع اشاراتی داشته اند و همچنین از اشعار رودکی، کسائی، فرخی، عنصری، منوچهری، ناصر خسرو، انوری، نظامی و خاقانی استفاده شده است.

کلمات کلیدی: سوگ، سوگنامه، مصادیق، شعر تا قرن ششم هجری

^۱ - دکتر زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران - ایران aghaeiali46@yahoo.com
این مقاله برگرفته از رساله دکتری به راهنمایی دکتر جلیل تجلیل است.

مقدمه

همانطور که در چکیده مطرح شد، سؤال اساسی این پژوهش آنست که شاعران زبان فارسی از آغاز تا قرن ششم در شعر خود چگونه بموضوع سوغ و سوگواری پرداخته اند؟ در این نوشته به بررسی پیشینه سوغ، انواع و مصادیق آن در شعر شاعران تا قرن ششم پرداخته شده است.

سوغ و پیشینه آن در ایران

واژه سوغ در لغت نامه دهخدا در معانی مصیبت، غم، ماتم و اندوه آمده است. واژه هایی چون سوگوار (مصیبت زده، ماتم زده)، سوگی (سوگوار و اندوهگین)، سوگیانه (لباس ماتم و عزا)، سوگیدن (گریستن و ناله و زاریدن و ناله کردن) از واژه های مربوط به این واژه است. (لغت نامه، دهخدا، ج نهم: صص ۳۸۴۷-۳۸۴۶) اشتقاق این واژه به احتمال قوی از ریشه اوستایی saok میباشد و بمعنی سوختن بکار رفته است. سوز soz در ایرانی باستان sauca ماده مضارع ریشه sauk بمعنی سوختن و ناراحت شدنست. (بررسی ریشه شناختی فعلهای زبان پهلوی، منصوری: ص ۳۷۷) سوخت در فارسی میانه و در ایرانی باستان saux - ta، sauk صورت اصلی saux است. Kپیش از tبه xبدل شده است و بمعنی سوختنست. (ماده های فعلهای فارسی دری، ابولقاسمی: ص ۶۱) این واژه احتمالاً واژه ای آئینی بوده و بر آدابی اطلاق میشده که در مراسم درگذشتگان انجام میگرفته است. تصویرهایی از مراسم سوگواری در سغد و مرو بدست آمده است که نشان میدهد این آئین قدمتی دیرین دارد. پژوهشگرانی هستند که این آئینها را آئین سوگواری برای سیاوش دانسته اند که تاریخ آن بدوره پیش از زرتشت میرسد. (تاریخ ایران، یار شاطر: ص ۵۵۹)

از آنجا که گریه و زاری انسان را در غم و اندوه فرو میبرد، در ایران باستان ناپسند شمرده و نهی شده است. در دین زرتشت شادی یکی از مهمترین بخششهای اهورامزدا برای انسانست و به او این توان را میدهد تا در مقابل نیروهای بدی که ویژگیهای دوران آمیختگیست، بایستد. (بند هشن فرنبغ دادگی، بهار: ص ۴۰)

سوگنامه و انواع آن در شعر فارسی:

سوگنامه (رثا) «بر اشعاری اطلاق میشود که در ماتم گذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران، اظهار تأسف و تألم و ذکر مصائب پیشوایان دین و شمردن مناقب و مکارم و تجلیل از مقام و منزلت شخص متوفی و بزرگ نشان دادن واقعه و تعظیم مصیبت و دعوت ماتم

زدگان بصبر و سکون و معانی دیگری از این قبیل سروده شده است . « (مرثیه سرایی در ایران ، امامی : ص ۱۸)

در سوگنامه ها احساس و عاطفه شاعر با نیروی تخیل او در هم می آمیزد و یکی از بهترین انواع شعر را بوجود می آورد. بعبارت دیگر باید گفت که عاطفه و احساس در شعر شاعر داغدیده چنان قوی و سرکشست که خیال ، چاره ای جز پیروی از آن ندارد و همین سبب میشود تا شاعر اشعاری از صمیم دل و برخاسته از غمی واقعی بر زبان براند. در مورد انواع سوگنامه (رثا) تقسیم بندیهای گوناگونی از طرف محققان معاصر صورت گرفته است که در ادامه به آنها اشاره میشود . زین العابدین مؤتمن انواع سوگنامه (رثا) را چنین تقسیم بندی کرده است :

۱- رسمی و تشریفاتی ۲- شخصی و خانوادگی ۳- جمع تهنیت و تعزیت ۴- در حق دوستان و شعرای دیگر ۵- فلسفی یا پیش از مرگ ۶- مذهبی (شعر و ادب فارسی ، مؤتمن : ص ۸۲)

استاد زرینکوب نیز سوگنامه ها را به انواع زیر تقسیم بندی کرده است :

سنگ قبر ، مذهبی ، در مرگ عزیز از دست رفته ، حبسیات ، بیان مصائب و آلام خویش (فردی یا اجتماعی) . (شعر بیدروغ ، شعر بینقاب ، زرینکوب : صص ۱۵۷-۱۵۵) در دانشنامه ادب فارسی سوگنامه به سه نوع تقسیم شده است : ۱- رسمی ۲- شخصی ۳- مذهبی (دانشنامه ادب فارسی ، انوشه ، ذیل مرثیه) افسری کرمانی برای سوگنامه (رثا) چهار گونه قائل شده است : ۱- در سوگ عزیزان ۲- در مرگ مشاهیر ۳- مذهبی ۴- وطنی (نگرش بمرثیه سرایی در ایران ، افسری کرمانی : ص ۱۶) در کتاب « مرثیه سرایی در ادبیات فارسی » اثر نصراله امامی سوگنامه (رثا) به اقسام زیر تقسیم شده است : ۱- درباری ۲- شخصی ۳- مذهبی ۴- فلسفی ۵- اجتماعی ۶- داستانی . (مرثیه سرایی در ادبیات فارسی ، امامی : صص ۷۹-۳۶) با بررسی های بعمل آمده در انواع سوگنامه (رثا) در این تحقیق چهار نوع سوگنامه مورد توجه قرار گرفت که عبارتند از :

الف - رسمی و تشریفاتی : این نوع سوگنامه توسط شاعران وابسته بدربار پادشاهان و فرمانروایان سروده میشود . این نوع سوگنامه ها گاه از روی میل و گاه با اشاره مقامات و بزرگان دستگاه حکومت سروده میشوند . این اشعار معمولاً فرمایشی هستند ، زیرا شاعر یا وظیفه معهود خود را انجام میداده و یا بر اثر نزدیکی و انس با ممدوح در گذشته متأثر شده و اشعاری از صمیم دل میسروده است . ب- خانوادگی و شخصی : این سوگنامه ها شامل اشعاریست که شاعر در مرگ زن ، فرزند ، دوستان و یا یکی از اعضای خانواده اش سروده

است. این نوع سوگنامه‌ها نسبت به دیگر سوگنامه‌ها از بسامد و ارزش ادبی بیشتری برخوردار هستند، زیرا قدرت بیشتری در برانگیختن احساسات و عواطف خواننده و شنونده دارند.

ج - مذهبی: این نوع سوگنامه‌ها در رثای ائمه و پیشوایان دینی سروده می‌شوند. گاه شاعران در ذکر مصائب ائمه (ع) مخصوصاً حضرت سیدالشهدا (ع) و دیگر شهدای کربلا و ذکر مناقب و مکارم آنها آنچنان اشعار پر سوزی بر زبان می‌آورند که دل هر انسان با احساس را بدر می‌آورد. اولین سوگنامه مذهبی در قرن چهارم توسط کسایی مروزی سروده شده و مربوط بواقعه کربلاست که در بخش بعدی به آن اشاره خواهد شد.

د - سوگنامه در حق دانشمندان و شاعران دیگر: معمولاً شاعران در مرگ دوستان شاعر و دانشمند خود بیش از دیگران متأثر و متأسف می‌شوند و همین هم باعث شده تا سوگنامه‌هایی را در مرگ آنها بسرایند که در این زمینه برخی از شاعران مانند خاقانی و انوری بیش از دیگران به این موضوع توجه داشته‌اند.

مصادیق سوگ در شعر شاعران

همانطور که در چکیده و مقدمه اشاره شد شاعران در دیوان اشعار خود بخوبی بموضوع سوگ پرداخته و سوگنامه‌های غم‌انگیز و سوزناکی سروده‌اند که هر خواننده و شنونده‌ای را با خود همراه می‌سازند. در اینجا بررسی انواع سوگنامه می‌پردازیم.

الف: سوگنامه‌های رسمی و تشریفاتی:

رودکی:

در دیوان رودکی سوگنامه‌ای وجود دارد که مخاطب آن از دیدگاه صاحب‌نظران متفاوت است. برخی آن را در رثای پسر ابوالفضل بلعمی و برخی دیگر آن را در رثای امیر اسماعیل سامانی دانسته‌اند. با مطلع:

ای آنکه غمگنی و سزاواری و ندر نهان سرشک همی باری
(دیوان رودکی، ص ۴۳)

کسایی:

در شعر کسایی دو سوگنامه تشریفاتی و رسمی وجود دارد که سوگنامه نخست احتمالاً در مرگ آخرین امیر سامانی؛ یعنی اسماعیل بن نوح معروف به منتصر سروده شده است و از آن فقط یک بیت باقی مانده است:

آن کس که بر امیر در مرگ باز کرد بر خویش‌تن نگر نتواند فراز کرد
(دیوان کسایی، ص ۷۸)

از سوگنامه دوم هم دو بیت باقی مانده است که در سوگ همین امیر ناکام (منتصر) سروده شده است :

جنازه تو ندانم کدام حادثه بود که دیده ها همه مصقول کرد و رخ مجروح
از آب دیده چو طوفان نوح شد همه مرو جنازه تو بر آن آب همچو کشتی نوح
(دیوان کسایی ، صص ۷۸-۷۷)

فرخی سیستانی :

فرخی این سوگنامه را در مرگ سلطان محمود غزنوی سروده . از این سوگنامه استنباط میشود که شاعر بشدت از مرگ ممدوح خود متأثر شده و این موضوع را با گوشت و پوست خود لمس کرده است با مطلع :

شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار چه فتادست که امسال دگرگون شده کار
(دیوان فرخی ، ص ۸۷)

انوری :

در دیوان انوری هفت سوگنامه رسمی وجود دارد که مخاطب چهار سوگنامه آن مشخص است ولی مخاطب سه سوگنامه دیگر مشخص نیست . این سوگنامه ها عبارتند از :

۱- سوگنامه مجدالدین بن ابی طالب نعمه

ابی طالب نعمه از جمله افرادیست که انوری او را بسیار مدح گفته است و در مرگ او نیز سوگنامه سوزناکی دارد با مطلع:

شهر پر فتنه و پر مشغله و پر غوغاست سید صدر جهان بار نداده است کجاست
(دیوان انوری ، ص ۹۷)

۲- سوگنامه مجدالدین ابوالحسن عمرانی :

ابوالحسن عمرانی از نزدیکان سلطان سنجر ابن ملکشاه بود که مورد خشم سلطان قرار گرفت و در مرو کشته شد و انوری در سوگ او قصیده ای با مطلع زیر سروده است :

هیچ میدانی که در گیتی ز مرگ بوالحسن چرخ جز قحط کرم هرگز چه دارد فایده
(دیوان انوری ، ص ۶۳۰)

۳- سوگنامه مودود شاه :

این سوگنامه در رثای مودود شاه سروده شده و آنچنان که از شعر انوری پیداست مودود شاه از امرای دربار سلطان سنجر بوده است . این سوگنامه بیشتر جنبه تعلیمی دارد و احساس غم در آن نسبتاً کمست . مطلع آن چنینست :

جهان ز رفتن مودود شهه مؤید دید بما نمود مزاج و بما نمود سرشت
(دیوان انوری ، ص ۵۴۰)

۴- سوگنامه کمال الزمان :

امیر عمید کمال الدین معروف بکمالی بخارایی از ندیمان سلطان سنجر سلجوقیست که در موسیقی مهارتی داشته است. در این سوگنامه بیشتر به هنر نوازندگی او اشاره شده است
مطلع آن چنینست :

هرگز گمان مبر که کمال الزمان بمرد
کو روح محض بود نه جسم فناپذیر
(دیوان انوری، ص ۶۵۵)

۵- شاعر سوگنامه ای با مطلع زیر دارد که مخاطب آن مشخص نیست، و شاعر در آن متوفا را با عناوینی چون « رئیس دولت و دین »، « پروریده کابوک آسمان » و « ماهی فلک » وصف کرده و نسبت به او ارادت خاصی نشان داده است و از مرگ او هزاران شخص را سوگوار میداند :

رئیس دولت و دین ای اسیر دست اجل
شدی و رفتی بهین حاصل جهان از دست
(دیوان انوری، ص ۵۲۴)

۶- مخاطب این سوگنامه نیز مشخص نیست، ولی استنباط میشود که شخص متوفا بسیار بخشنده بوده و شاعر را مورد عنایت و نوازش قرار داده است. شاعر بسیاری از جمله خود را در مقابل بخشش‌های او « یتیم احسان » خوانده است. مطلع سوگنامه:

آن خواجه کز آستین رعیت
دست کرم بزرگوارش
(دیوان انوری، ص ۵۹۵)

۷- مخاطب این سوگنامه نیز مشخص نشده است. این سوگنامه بواسطه تصاویر زیبا و روان آن بسیار تأثیر گذارست. مطلع آن چنینست :

ای جهانت بمهر دل جویان
آسمان هم درین هوس پویان
(دیوان انوری، ص ۷۰۳)

نظامی:

نظامی در مرگ یکی از ممدوحان خود بنام شمس الدین محمد جهان پهلوان متأثر میشود و ابیاتی در سوگ او میسراید :

بر آن اورنگش آرام اندکی بود
چو رفتش زادن و مردن یکی بود
بری نا خورده از باغ جوانی
چو ذوالقرنین در آب زندگانی
شهادت یافت از زخم بداندیش
که بادش آن جهان پادش ازین بیش
(خسرو شیرین، ص ۴۵۸)

خ_____اق_____از_____ی:

خاقانی در مرگ شاهان، شاهزادگان و فرمانروایان دوران خود سوگنامه‌هایی سروده که برخی پر احساس و برخی دیگر بنا بر وظیفه معهود برای رفع تکلیف بوده است. این سوگنامه‌ها عبارتند از :

- ۱- سوگنامه فخرالدین منوچهر شروانشاه با مطلع:
ای دل ز دام گلخن تن در گذشتنی ست ای تن بیام گلشن جان بر گذشتنی ست
(دیوان خاقانی، ص ۵۲۷)
- ۲- سوگنامه عضالدین فریبرز و خواهر او الجیجک:
ایشان از فرزندان خاقان اکبر بوده اند که در جوانی از دنیا رفته اند. زبان شعر ساده و حاکی
از متأثر شدن ورقت قلب شاعر نسبت بمرگ این افرادست. این سوگنامه بامطلع زیر سروده
شده است:
ای رفتگان جگر شب فرو درید آن آفتاب از جگر شب برآورد
(دیوان خاقانی، ص ۵۳۲)
- ۳- سوگنامه اسفهد لیا لواشیر:
بنابر نقل استاد فروزانفر، « او پادشاه مازندران بوده است که در آنجا با ترکان زد و خورد
داشته است و بنابر اشارات خاقانی دوران زندگانش پیش از سنه ۵۵۹ ه. ق به انجام رسیده
است. » (سخن و سخنوران، فروزانفر: ص ۶۳۷). خاقانی بواسطه ارادتی که به او داشته
سه سوگنامه در عزای او سروده است. در زیر مطلع این سوگنامه ها ذکر میشود:
سوگنامه نخست:
ای قبله جان کجات جویم جانی و بجان هوات جویم
(دیوان خاقانی، ص ۳۰۴)
- سوگنامه دوم:
عهد عشق نیکوان بدرود باد وصل و هجران هر دوان بدرود باد
(دیوان خاقانی، ص ۷۷)
- سوگنامه سوم:
چراغ کیان کشته شد کاش من بمرگش چراغ سخن کشتمی
(دیوان خاقانی، ص ۹۳۰)
- ۴- سوگنامه جمال الدین محمد بن علی اصفهانی: اوبوزیر صاحب موصل معروفست.
خاقانی در رثای او، ببخشش و کرم او اشاره کرده است. شاعر در مرگ او بسیار غمگینست
و برای از دست دادن چنین جوانمردی حسرت میخورد. دو بیت زیر ابیات آغازین این
سوگنامه است
جمال صفاهان نظام دوم که گیتی سیم جعفر انگاشتن
چو قحط کرم دید در مرز دهر علی وار تخم کرم کاشتش
(دیوان خاقانی، ص ۸۹۱)

۵- سوگنامه خواجه ابوالفارس : ظاهراً این شخص از سرداران و سپاهیان بوده است که در جوانی در « شروان » در گذشته است .

کارم از دست پایمرد گذشت
آهم از چرخ لاجورد گذشت
(دیوان خاقانی ، ص ۵۴۱)

۶- سوگنامه امیر اسدالدین شروانی :

آه و دردا که شبیخون اجل
در زد آتش به شبستان اسد
(دیوان خاقانی ، ص ۸۶۸)

۷- سوگنامه صدرالدین :

جهان پیمانہ را ماند بعینه
که چون پر شد تهی گردد بهر بار
(دیوان خاقانی ، ص ۸۸۶)

۸- سوگنامه بهاء الدین احمد:

دل ز راحت نشان نخواهد داد
غم خلاصی بجان نخواهد داد
(دیوان خاقانی ، ص ۱۶۷)

ب- سوگنامه‌های مذهبی : سوگنامه‌های مذهبی در شعر شاعران دوره مذکور بسامد بالایی ندارد . دو سوگنامه مذهبی یکی در دیوان کسایی مروزی و دیگری در دیوان ناصر خسرو پیدا شد که در اینجا مورد بررسی قرار میگیرند .
کسایی :

کسایی اولین کسی است که سوگنامه مذهبی بزبان فارسی سروده و سوگنامه او نخستین سوگنامه کربلا بزبان فارسیست . این سوگنامه نه تنها از نظر قدمت در سوگنامه سرایی بلکه از نظر اسلوب شعری بدیع و زیباست با مطلع:

باد صبا در آمد فردوس گشت صحرا
آراست بوستان را نیسان بفرش دیبا
(دیوان کسایی ، ص ۶۹)

ناصر خسرو :

ناصر خسرو در دیوان اشعارش سوگنامه مذهبی کاملی نسروده است ، اما شش بیت در دیوانش هست که در آنها ناصر خسرو مستقیماً بشهادت امام حسین اشاره کرده است . این ابیات را بعنوان یک سوگنامه مذهبی بشمار می آوریم ، زیرا همگی در سوگ امام حسین(ع) سروده شده اند . بیت آغازین این سوگنامه اینست :

من که ز خون حسین پر غم و دردم
شاد چگونه کنند خون رزانم ؟
(ناصر خسرو ، ص ۲۱۰)

ج - سوگنامه های شخصی و خانوادگی :

سوگنامه های شخصی و خانوادگی در دیوان خاقانی :

۱- سوگنامه های خاقانی در مرگ پسرش رشید الدین : خاقانی در مرگ فرزندش رشید الدین هفت سوگنامه سروده است که از سوزناکترین و مشهورترین سوگنامه های ادب فارسیست . مرگ جوان بیست ساله خاقانی شاید تلخترین حادثه حیات وی بوده و همین سبب شده است که قصاید سوزناکی در عزای او بسراید .

در اینجا به این سوگنامه ها اشاره ای میکنیم :

سوگنامه نخست : شاعر این قصیده را با زبانی ساده و بواسطه شدت ناراحتی بسیار سوزناک و تأثیرگذار بیان کرده است . این قصیده درهشتاد و هفت بیت و با ردیف بگشایید سروده شده که تکرار این ردیف معانی گفته شده را در این سوگنامه مؤثرتر کرده است .

صبحگاهی سرخوناب جگر بگشایید
 ژاله صبحدم از نرگس تر بگشایید
 (دیوان خاقانی ، ص ۱۵۸)

حاصل عمر چه دارید خبر باز دهید
 مایه جا نیست ازو وام نظر باز دهید
 (دیوان خاقانی ، ص ۱۶۲)

دلنواز من بیمار شماید همه
 بهر بیمار نوازی بمن آید همه
 (دیوان خاقانی ، ص ۴۰۶)

بر سر شه ره عجزیم کمر بر بندیم
 رخت همت ز رصد گاه خطر بر بندیم
 (دیوان خاقانی ، ص ۵۴۱)

دریغ میوه جانم رشید کز سر پای
 به بیست سال در آمد بیک نفس بگذشت
 (دیوان خاقانی ، ص ۸۳۴)

وقت رفتن رشید را گفتم
 که بخواه آنچه آرزوت آید
 (دیوان خاقانی ، ص ۸۷۲)

برداشتم چون بلند آفتابی
 ز ناگه بتاری مفاکش سپردم
 (دیوان خاقانی ، ص ۹۰۲)

۲- سوگنامه های خاقانی در مرگ دختر خود:

خاقانی در مرگ دختر خود دو سوگنامه سروده است . اولین سوگنامه در پنج بیت سروده شده است که حاکی از ناخرسندی شاعر از داشتن دختر میباشد و نیز از اینکه دخترش سرشت این دنیای بد گوهر را دریافته و از او گسسته است ، او را میستاید .

مطلع این سوگنامه :

پیش بین دختر نو آمد من
 دید کافاتش از پسست برفت
 (دیوان خاقانی ، ص ۸۳۵)

مطلع سوگنامه دوم :

سرفکنده شدم چو دختر زاد
 بر فلک سر فراختم چو برفت
 (دیوان خاقانی ، ص ۸۳۵)

۳- سوگنامه های خاقانی در مرگ همسران خود :

خاقانی دو همسر داشته که همسر نخست مادر رشیدالدین بوده است و شاعر از همسر نخست با احترام بیشتری یاد میکند . همسر اول خاقانی دختر ابوالعلاء گنجوی بوده است . خاقانی سه سوگنامه در مرگ همسرانش سروده که یکی در مرگ همسر نخست و دو تا در مرگ همسر دوم بوده است . با مطلعهای:

بس وفا پرورد یاری داشتم	بس براحت روزگاری داشتم
(دیوان خاقانی ، ص ۳۰۷)	(دیوان خاقانی ، ص ۳۰۷)
بی باغ رخت جهان مبینام	بی داغ غمت روان مبینام
(دیوان خاقانی ، ص ۳۰۶)	(دیوان خاقانی ، ص ۳۰۶)
دیر خبر یافتی که یار تو گم شد	جام جم از دست اختیار تو گم شد
(دیوان خاقانی ، ص ۷۷۰)	(دیوان خاقانی ، ص ۷۷۰)

۴- سوگنامه های خاقانی در مرگ عموی خود :

خاقانی در مرگ عموی خود کافی الدین عمر پنج سوگنامه بسیار حزن انگیز سروده است . شاعر تربیت خود را مدیون این مرد دانشمند و مرگ او را تلخترین حوادث عمر خود میداند . در زیر بمطلع این سوگنامه ها اشاره میشود :

راه نفسم بسته شد از آه جگر تاب	کو همنفسی تا نفسی رانم ازین باب
(دیوان خاقانی ، ص ۵۶)	(دیوان خاقانی ، ص ۵۶)
خرمی در جوهر عالم نخواستی یافتن	مردمی در گوهر آدم نخواستی یافتن
(دیوان خاقانی ، ص ۳۶۰)	(دیوان خاقانی ، ص ۳۶۰)
گر بقدر سوزش دل چشم من بگریستی	بر دل من مرغ و ماهی تن بتن بگریستی
(دیوان خاقانی ، ص)	(دیوان خاقانی ، ص)
رفت آنکه فیلسوف جهان بود و بر جهان	درهای آسمان معانی گشوده بود
(دیوان خاقانی ، ص ۸۷۲)	(دیوان خاقانی ، ص ۸۷۲)
دعوی نسبت ز عم کن ز پدر زیرا ترا	عم پدید آورد اگر نی خود پدر گم کرده بود
(دیوان خاقانی ، ص ۸۷۳)	(دیوان خاقانی ، ص ۸۷۳)

۵- سوگنامه های خاقانی در مرگ پسر عموی خود وحیدالدین :

خاقانی در مرگ پسر عموی خود وحیدالدین نیز سوگنامه‌هایی سروده است . با مطلعهای:

جان سگ دارم بسختی ورنه سگ جان بودمی	از فغان زار چون سگ هم فرو آسودمی
(دیوان خاقانی ، ص ۴۴۲)	(دیوان خاقانی ، ص ۴۴۲)
کو آن که نقد او بترازوی هفت چرخ	شش‌دانگ بود راست بهر کفه ای که سخت
(دیوان خاقانی ، ص ۸۳۴)	(دیوان خاقانی ، ص ۸۳۴)
چون من خطر زدم بعراق از پی وحید	جان از بر وحید برآمد بدان خطر
(دیوان خاقانی ، ص ۸۸۶)	(دیوان خاقانی ، ص ۸۸۶)

سوغنامه های شخصی و خانوادگی در خمسه نظامی :

سوغنامه های نظامی در اثنای مثنویهای او آمده است که البته تعداد آنها زیاد هم نیست و بیشتر هم سوغنامه شخصی و خانوادگی هستند . نظامی در لابلای اشعارش از مرگ عزیزانش یاد میکند و در حسرت و اندوه فرو میرود . نظامی دو سوغنامه برای همسران خود و سه سوغنامه برای خویشان از جمله پدر ، مادر و دایی خود سروده است . نظامی علاوه بر اینها سوغنامه های دیگری نیز دارد که به آنها اشاره میشود .

۱- سوغنامه های نظامی در مرگ همسران خود :

این سوغنامه که در پایان خسرو و شیرین ذکر شده در مرگ همسرش آفاق سروده شده است . نظامی آفاق را بسیار دوست داشته و در مرگش بسیار متأثر و سوگوار شده است .

تو کز عبرت بدین افسانه مانی چه پنداری مگر افسانه خوانی
بحکم آنکه آن کم زندگانی چو گل بر باد شد روز جوانی
(خسرو شیرین ، ص ۲۹۲)

نظامی در مرگ همسر دوم خود در اقبال نامه سخن بمیان آورده و عشق خود را نسبت به او بیان کرده و از مرگ او بشدت غمگین و ناراحت شده است .

فلک پیشتر زین که آزاده بود از آن به کنیزی مرا داده بود
رباینده چرخ آنچنانش ربود که گفتمی که تا بود هرگز نبود
(اقبال نامه ، ص ۸۵۷)

۲- سوغنامه های دیگر خویشاوندان نظامی :

شاعر از پدر خود یوسف بن زکی بن مؤید یاد میکند و از اینکه بتواند با روزگار مقابله کند اظهار ناتوانی میکند .

گر شد پدرم بنسبت جد یوسف پسر زکی مؤید
چون در پدران رفته دیدم عرق پدری ز دل بریدم
(لیلی و مجنون ، ص ۴۱۴)

پس از آن از مادر خود رئیسه کرد یاد میکند و مرگ چنین عزیزی او را غمگین و دردمند ساخته است .

گر مادر من رئیسه کرد مادر صفتانه پیش من مرد
از لابه گری کرا کنم یاد تا پیش من آردش بفریاد
(لیلی و مجنون ، ص ۴۱۵)

نظامی در خاتمه از خال خود - خواجه عمر - سخن میگوید و اظهار میدارد که نمیتواند ناله و زاری کند ، زیرا میترسد از ناله او کبود زنجیر (آسمان) در جهان دیگر ، گلوگیر او بشود .

خالی شدنش وبال من بود
کافغان کنم او شود گلوگیر
(لیلی و مجنون، ص ۴۱۵)

گر خواجه عمر که خال من بود
میترسسم ازین کبود زنجیر

۳- سوگنامه شیرین در مرگ خسرو :

شیرین وقتی از خواب بیدار میشود و میبیند که خسرو در رختخواب کنار او کشته شده ،
بشدت متأثر میشود و شروع بگریه و زاری میکند .

یکی دریای خون دید آه برداشت
بسی بگریست وانگه عزم ره کرد
چنان کز روشنی میتافت چون نور
(خسرو شیرین، ص ۴۱۹)

پرنده از خوابگاه شاه برداشت
بگریه ساعتی شب را سیه کرد
فرو شستش بگلاب و بکافور

۴- سوگنامه اسکندروس در مرگ پدرش اسکندر :

به آشوب شاهی نزد نیز کوس
که زیر افتد از شاخ سرو بلند
(اقبال نامه، صص ۲۶۴-۲۶۵)

پس از مرگ اسکندر اسکندروس
بنالید چون بلبل دردمند

۵- سوگنامه مجنون در مرگ پدر :

آخرکم از آنکه آرایش یاد
نالید و خمید راست چون چنگ
گه کرد ز درد خاک بر سر
(لیلی و مجنون، ص ۱۶۳)

چون مرد پدر، ترا بقا باد
مجنون ز نوای آن کج آهنگ
گه خاک ورا گرفت در بر

۶- سوگنامه مجنون در مرگ مادر :

گه روی در این و گه در آن سود
دارو پس مرگ کی کند سود
(لیلی و مجنون، ص ۲۰۶)

مجنون ز رحیل مادر خویش
میکرد ز مادر و پدر یاد

زد دست دریغ بر سر خویش
شد بر سر خاکشان بفریاد

۷- سوگنامه مادر لیلی در مرگ لیلی :

و آهنگ ولایت دگر کرد
گویی که قیامت آن زمان دید
موی چو سمن بباد بر داد
بر میزد و موی و روی میکند
(لیلی و مجنون، صص ۲۵۳-۲۵۲)

این گفت و بگریه دیده تر کرد
مادر که عروس را چنان دید
معجز ز سر سپید بگشاد
در حسرت روی و موی فرزند

۸- سوگنامه مجنون در مرگ لیلی :

نالنده ز روی دردناکی آمد سوی آن عروس خاکی
چون تربت دوست در بر آورد ای دوست بگفت و جان بر آورد
(لیلی و مجنون، ص ۲۶۴)

سوغنامه‌های شخصی و خانوادگی در شاهنامه :

با بررسی و مطالعه شاهنامه پنجاه و چهار مورد سوغنامه یافت شد که همه آنها سوغنامه‌های شخصی و خانوادگیست. در اینجا بررسی این سوغنامه ها میپردازیم :

۱- سوغنامه فردوسی در مرگ فرزند خود :

مرا سال بگذشت بر شست و پنج نه نیکو بود گر ببازم بگنج
مگر بهره برگیرم از پند خویش بر اندیشم از مرگ فرزند خویش
و را سال سی بد مرا شست و هفت نپرسید زین پیر و تنها برفت
(شاهنامه، ج ۹، ص ۱۳۸)

۲- سوغنامه رستم در مرگ فرزندش سهراب (شاهنامه، ج ۰۲، ص ۲۳۸)

۳- سوغنامه پشوتن در مرگ برادرش اسفندیار (شاهنامه، ج ۰۶، ص ۳۰۵)

۴- سوغنامه فرنگیس در مرگ همسرش سیاوش (شاهنامه، ج ۰۳، ص ۱۵۳)

۵- سوغنامه جریره در مرگ فرزندش فرود (شاهنامه، ج ۰۴، صص ۶۵-۶۴)

۶- سوغنامه کیومرث در مرگ فرزندش سیامک، شاهنامه، تصحیح دکتر سعید حمیدیان، ج ۱، پادشاهی کیومرث، ص ۳۰، ابیات ۴۲-۳۷.

۷- سوغنامه فریدون در مرگ فرزندش ایرج، ج ۱، پادشاهی فریدون، ص ۱۰۵، ابیات ۴۷۲-۴۲۹.

۸- سوغنامه منوچهر در مرگ پدر بزرگش فریدون، ج ۱، پادشاهی منوچهر، ص ۱۳۵، ابیات ۱-۲.

۹- سوغنامه سام در مرگ پدرش نریمان، ج ۷، ص ۱، ملحقات، ص ۲۶۷، ابیات ۵۶-۵۴.

۱۰- سوغنامه نوذر در مرگ پدرش منوچهر، ج ۲، پادشاهی نوذر، ص ۶، ابیات ۱-۲.

۱۱- سوغنامه نوذر در مرگ برادرش قباد، ج ۲، پادشاهی نوذر، ص ۱۸، ابیات ۲۰۴-۱۹۹.

۱۲- سوغنامه پیران در مرگ پسرش، ج ۷، ص ۲، پادشاهی نوذر، ص ۲۹، بیت ۳۴۹.

۱۳- سوغنامه پهلوانان در مرگ نوذر، ج ۲، پادشاهی نوذر، ص ۳۷، ابیات ۴۶۹-۴۵۲.

۱۴- سوغنامه رودابه در مرگ سهراب، ج ۲، ملحقات، ص ۲۵۸، ابیات ۱۱-۱.

۱۵- سوغنامه تهمینه در مرگ سهراب، ج ۲، ملحقات، ص ۲۵۸، ابیات ۵۰-۱۴.

۱۶- سوغنامه کاووس و رستم در مرگ سیاوش، ج ۳، داستان سیاوش، ص ۱۷۰، ابیات ۲۶۰۸-۲۵۹۴.

۱۷- سوغنامه افراسیاب در مرگ فرزندش سرخه، ج ۳، داستان سیاوش، ص ۱۸۱، ابیات ۲۷۷۱-۲۷۶۵.

۱۸- سوغنامه سیاوش در مرگ مادر، ج ۳، ملحقات، ص ۲۵۱، ابیات ۱۰-۱.

۱۹- سوغنامه کیخسرو در مرگ برادرش فرود، ج ۴، داستان فرود، ص ۸۷، ابیات ۱۲۳۵-۱۲۱۵.

۲۰- سوغنامه بهرام در مرگ ریونیز پسر کاووس و دیگران، ج ۴، داستان فرود، ص ۱۰۳، ابیات ۱۴۶۳-۱۴۶۰.

۲۱- سوغنامه گودرز در مرگ فرزندان، ج ۴، داستان کاموس کشانی، ص ۱۴۲، ابیات ۴۳۱-۴۲۷.

۲۲- سوغنامه پیران در مرگ برادرانش نستهمین و هومان، ج ۵، داستان دوازده رخ، ص ۱۳۷، ابیات ۹۱۲-۹۰۱.

۲۳- سوغنامه برادران در مرگ پیران، ج ۵، داستان دوازده رخ، ص ۲۰۷، ابیات ۲۱۰۵-۲۰۹۶.

۲۴- سوغنامه کیخسرو در مرگ پیران، ج ۵، داستان دوازده رخ، ص ۲۲۶، ابیات ۲۳۹۵-۲۳۹۲.

- ۲۵ - سوگنامه کیخسرو در مرگ دایی خود شیده (پشنگ) ، ج ۵ ، جنگ کیخسرو با افراسیاب ، ص ۲۷۶ ، ابیات ۶۷۵ - ۶۷۰ .
- ۲۶ - سوگنامه افراسیاب در مرگ فرزندش شیده ، ج ۵ ، جنگ کیخسرو با افراسیاب ، ص ۲۷۷ ، ابیات ۷۰۰ - ۶۹۱ .
- ۲۷ - سوگنامه کیخسرو در مرگ پدر بزرگش کاووس ، ج ۵ ، جنگ کیخسرو با افراسیاب ، ص ۳۷۸ ، ابیات ۲۴۱۵ - ۲۴۰۲ .
- ۲۸ - سوگنامه پهلوانان و سران سپاه در مرگ کیخسرو ، ج ۵ ، جنگ کیخسرو با افراسیاب ، ص ۴۱۵ ، ابیات ۳۰۵۸ - ۳۰۵۶ .
- ۲۹ - سوگنامه گشتاسب در مرگ برادرش زریر ، ج ۶ ، پادشاهی گشتاسب ، ص ۱۰۶ ، ابیات ۶۱۱ - ۶۰۳ .
- ۳۰ - سوگنامه اسفندیار در مرگ عمویش زریر ، ج ۶ ، پادشاهی گشتاسب ، ص ۱۰۸ ، ابیات ۶۲۸ - ۶۲۱ .
- ۳۱ - سوگنامه بستور در مرگ پدرش زریر ، ج ۶ ، پادشاهی گشتاسب ، ص ۱۱۱ ، ابیات ۶۷۸ - ۶۷۱ .
- ۳۲ - سوگنامه اسفندیار در مرگ فرزندانش نوش آذر و مهر نوش ، ج ۶ ، داستان رستم و اسفندیار ، ص ۲۹۰ ، ابیات ۱۱۸۹ - ۱۱۸۵ .
- ۳۳ - سوگنامه رستم در مرگ اسفندیار ، ج ۶ ، داستان رستم و اسفندیار ، ص ۳۱۲ ، ابیات ۱۵۱۶ - ۱۵۱۰ .
- ۳۴ - سوگنامه گشتاسب در مرگ اسفندیار ، ج ۶ ، داستان رستم و اسفندیار ، ص ۳۱۴ ، ابیات ۱۵۶۵ - ۱۵۴۱ .
- ۳۵ - سوگنامه زال ، فرامرز و رودابه در مرگ رستم و زواره ، ج ۶ ، داستان رستم و شغاد ، ص ۳۳۴ ، ابیات ۲۱۶ - ۲۱۶ .
- ۳۶ - سوگنامه زن گازر و شوهرش در مرگ فرزندشان ، ج ۶ ، پادشاهی همای چمرزاد ، ص ۳۵۷ ، ابیات ۴۵ - ۴۴ .
- ۳۷ - سوگنامه اسکندر در مرگ دارا ، ج ۶ ، پادشاهی دارای داراب ، ص ۴۰۳ ، ابیات ۳۹۰ - ۳۸۲ .
- ۳۸ - سوگنامه سپاه و اعضای خانواده در مرگ اسکندر ، ج ۷ ، پادشاهی اسکندر ، ص ۱۰۶ ، ابیات ۱۸۸۵ - ۱۸۱۵ .
- ۳۹ - سوگنامه بهرام در مرگ پدرش اورمزد ، ج ۷ ، پادشاهی اورمزد ، ص ۲۰۶ ، ابیات ۹۱ - ۸۹ .
- ۴۰ - سوگنامه بهرام در مرگ پدرش بهرامشاه ، ج ۷ ، پادشاهی بهرام ، ص ۲۱۰ ، ابیات ۵ - ۱ .
- ۴۱ - سوگنامه سپاهیان در مرگ اورمزد نرسی ، ج ۷ ، پادشاهی اورمزد ، ص ۲۱۷ ، ابیات ۲۶ - ۲۳ .
- ۴۲ - سوگنامه بهرام در مرگ پدرش شاپور سوم ، ج ۷ ، پادشاهی بهرام شاپور ، ص ۲۶۲ ، ابیات ۴ - ۱ .
- ۴۳ - سوگنامه لشکریان و بهرام در مرگ پدرش یزدگرد بزه گر ، ج ۷ ، پادشاهی یزدگرد بزه گر ، صص ۲۸۷ - ۲۸۴ ، ابیات ۴۰۹ - ۳۶۵ .
- ۴۴ - سوگنامه سپاهیان در مرگ بهرام گور ، ج ۷ ، پادشاهی بهرام گور ، ص ۴۵۴ ، بیت ۲۵۹۲ .
- ۴۵ - سوگناری بلاش در مرگ پدرش پیروز شاه ، ج ۸ ، پادشاهی پیروز شاه ، ص ۱۷ ، ابیات ۱۸۴ - ۱۸۰ .
- ۴۶ - سوگنامه سوفزای مرزبان در مرگ پیروز شاه ، ج ۸ ، پادشاهی پیروز شاه ، ص ۱۹ ، ابیات ۲۱۳ - ۲۱۱ .
- ۴۷ - سوگنامه همسر مسیحی کسری انوشیروان در مرگ فرزندش نوشزاد ، ج ۸ ، پادشاهی کسری ، ص ۱۰۸ ، ابیات ۹۵۹ - ۹۵۱ .
- ۴۸ - سوگنامه مردم در مرگ مای برادر پادشاه هند ، ج ۸ ، پادشاهی کسری ، ص ۲۱۸ ، ابیات ۲۸۴۵ - ۲۸۴۲ .
- ۴۹ - سوگنامه گو در مرگ برادرش طلخند ، ج ۸ ، پادشاهی کسری ، ص ۲۳۹ ، ابیات ۳۲۳۷ - ۳۲۱۳ .
- ۵۰ - سوگنامه مادر در مرگ فرزندش طلخند ، ج ۸ ، پادشاهی کسری ، ص ۲۴۳ ، ابیات ۳۲۷۵ - ۳۲۶۴ .
- ۵۱ - سوگنامه خاقان و همسرش در مرگ دخترشان ، ج ۹ ، پادشاهی خسرو پرویز ، ص ۱۴۶ ، ابیات ۲۳۰۱ - ۲۲۹۸ .
- ۵۲ - سوگنامه گردیه در مرگ برادرش بهرام چوبینه ، ج ۹ ، پادشاهی خسرو پرویز ، ص ۱۶۷ ، ابیات ۲۶۸۳ - ۲۶۷۸ .
- ۵۳ - سوگنامه شیرین در مرگ همسرش خسرو پرویز ، ج ۹ ، پادشاهی خسرو پرویز ، ص ۲۹۱ ، ابیات ۵۹۲ - ۵۸۵ .
- ۵۴ - سوگنامه کشیشان مسیحی در مرگ یزدگرد سوم ، ج ۹ ، پادشاهی یزدگرد ، ص ۳۶۴ ، ابیات ۶۶۷ - ۶۵۵ .

د - سوگنامه های شعرا در حق دانشمندان و شاعران دیگر .

رودکی : یکی از مشهورترین سوگنامه های رودکی ، سوگنامه ایست در مرگ ابوالحسن مرادی بخارایی ، یکی از شاعران معاصر وی ، که به دو زبان فارسی و عربی شعر میسروده است . این سوگنامه بقدری شهرت یافت که مورد تقلید بسیاری از شاعران قرار گرفت چنانکه سوگنامه‌ای با همین وزن و قافیه برای سنایی در غزلیات مولوی آورده شده ^۱ . بیت زیر ، بیت آغازین این سوگنامه است :

مرد مرادی نه همانا که مرد مرگ چنان خواجه نه کاریست خرد
(دیوان رودکی ، ص ۴۴)

سوگنامه دیگر رودکی در مرگ شهید بلخی است. دو بیت آغازین این سوگنامه در زیر آمده است :

کاروان شهید رفت از پیش و آن ما رفته گیر و می اندیش
از شمار دو چشم یک تن کم وز شمار خرد هزاران بیش
(دیوان رودکی ، ص ۴۳)

انوری :

انوری سوگنامه ای در مرگ شخصی بنام مؤیدالدین سروده است . از محتویات سوگنامه برمی آید که وی از فضلالی معاصر انوری بوده ، چنانچه او را جهان معنی دانسته است با مطلع:

در مرثیه مؤیدالدین هر کس هنری همی نماید
(دیوان انوری ، ص ۵۸۴)

خاقانی :

یکی از موضوعات پر بسامد در شعر خاقانی سوگنامه سرانیست . وی در سوگ دوستان شاعر و دانشمند خود سروده های زیادی دارد که به آنها اشاره میشود .

۱- سوگنامه در مرگ مؤیدالدین فلکی شروانی با مطلع :

عطسه سحر حلال من فلکی بود بود به ده فن زر از نه فلک آگاه
(دیوان خاقانی ، ص ۹۱۸)

۲- سوگنامه در مرگ امام محمد یحیی :

^۱ - غزل نخست با مطلع : گفت کسی خواجه سنایی ببرد امرگ چنین خواجه نه کاریست خرد گاه نبد او که به بادی پرید / آب نبود او که به سرما فسرد

غزل دوم با مطلع : گفت کسی خواجه سنایی ببرد امرگ چنین خواجه نه کاریست خرد

قالب خاکی بزمین باز داد / روح طبیعی بفلک و اسپرد (کلیات شمس ، دیوان کبیر ، فروزانفر ، ج ۲ ، صص ۲۶۴ - ۲۵۸) .

امام محمد یحیی از شاگردان امام محمد غزالی بود که در حمله غزان در نیشابور بطرز فجیعی کشته شد. خاقانی در مرگ ایشان چهار سوگنامه سروده است که مطلع آنها در اینجا ذکر میشود:

و آن نیل مکرمت که شنیدی سراب شد (دیوان خاقانی ، ص ۱۵۵)	آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد ناورد محنت است درین تنگنای خاک خاقانیا بسوگ خراسان سیاه پوش های خاقانی ترا جای شکر ریزست و شکر
محنت برای مردم و مردم برای خاک (دیوان خاقانی ، ص ۱۳۷)	
کاصحاب فتنه گرد سوارش سپاه برد (دیوان خاقانی ، ص ۸۷۱)	
گر دهانت را به آب زهرناک آکنده اند (دیوان خاقانی ، ص ۸۷۱)	

۳- سوگنامه در مرگ عمده الدین حفده :

عمده الدین حفده از دانشمندان معاصر خاقانیست که سه سوگنامه او سروده است با مطلعهای:

هر صبح بوی چشمه خضر آیدش ز کام (دیوان خاقانی ، ص ۳۰۰)	آن پیر ما که صبح لقائیست خضر نام دردهر سیه سپیدم افکند فرزند بمرد و مقتدا هم
بخت سیه سپید کارم (دیوان خاقانی ، ص ۹۰۱)	
ماتم ز پی کدام دارم (دیوان خاقانی ، ص ۹۰۲)	

۴- سوگنامه در مرگ عماد الدین :

ظاهراً عماد الدین از دانشمندان بنام همعصر خاقانی بوده که در مرگ او اشعاری سروده است و خود را بشدت متأثر و گریان نشان میدهد .
با دلم چشمه نهان میگفت کز مرگ عماد
تا کی آب چشم پالائی که بردی آب چشم
(دیوان خاقانی ، ص ۹۰۲)

۵- سوگنامه در مرگ امام ناصر الدین ابراهیم باکویی :

امام ناصرالدین باکوئی از دانشمندان معاصر خاقانیست که هم در مدح و هم در سوگ او سرودهای گوناگونی دارد . یکی از نامههای خاقانی نیز بنام اوست که در آغاز نامه او را ظهیرالاسلام ، فاروق الفرق ، علامه المشرقین و ... لقب داده است . خاقانی سه سوگنامه درباره او سروده است با مطلعهای:

نثار اشک من هر دم شکر ریزست پنهانی
که همت راز ناشوئیست از زانو و پیشانی
(دیوان خاقانی ، ص ۴۱۰)

- رفت روز من به پیشین ای دریغ کار برنامد به آئین ای دریغ
(دیوان خاقانی ، ص ۷۸۰)
- از مرگ براهیم که علامه دین بود دردا که علامات کرامات نگون شد
(دیوان خاقانی ، ص ۸۷۲)
- ۶- سوگنامه در مرگ امام شهاب الدین: شهاب الدین یکی از دو داماد خاقانی بوده است .
سر چه سنجد که هوش می بشود تن چه ارزد که توش می بشود
(دیوان خاقانی ، ص ۱۶۸)
- ۷- سوگنامه امام مؤیدالدین تغلیسی: تغلیسی یکی از فضایل معاصر خاقانیست که در
غزنین در گذشته.
خاقانیا بجوی هنر آب تیره ماند کان بحر دل مؤید روشن روان نماند
(دیوان خاقانی ، ص ۸۷۱)
- ۸- سوگنامه در مرگ امام ابو عمرو اسعد :
امام ابو عمرو اسعد احتمالاً یکی از دانشمندان شافعیست که خاقانی سه سوگنامه در مرگ
ایشان دارد که مطلع آنها در زیر ذکر میشود :
بیدقی مدح شاه میگوید کوکبی وصف ماه میگوید
(دیوان خاقانی ، ص ۱۶۶)
- کودلی کانده گسارم بود بس در جهان زو بوده ام خشنود بس
(دیوان خاقانی ، ص ۲۰۷)
- خبر برآمد کان آفتاب شرع فرو شد هزار آه زهرک آن خبر شنود بر آمد
(دیوان خاقانی ، ص ۸۷۹)

نتیجه:

با توجه به بررسیهای بعمل آمده میتوان گفت که شاعران دوره مورد نظر در آثارشان بخوبی به موضوع سوگواری پرداخته‌اند ، چرا که شاعران با بیان احساسات خود از طرفی دل خود را از غم و اندوه سبک و از طرفی نسبت به شخص متوفا ادای دین و احترام میکردند . بنا بر این موضوع سوگ در شعر شاعران این دوره حضوری پررنگ دارد و لازم است که مورد بررسی و کاوش قرار گیرد . در این بررسیها این نتیجه حاصل شد که بسامد سوگنامه ها در شعر شاعران متفاوت است . برخی از سوگنامه ها دارای بسامد بیشتر و برخی دارای بسامد کمتری است . سوگنامه‌های رسمی و تشریفاتی بیست و دو مورد ، سوگنامه های مذهبی دو مورد ، سوگنامه های خانوادگی و شخصی هشتاد و دو مورد و سوگنامه های شاعران و دانشمندان دیگر بیست مورد یافته شد که سوگنامه‌های خانوادگی و شخصی پر بسامدترین سوگنامه در شعر این شاعران است . در این مقاله همچنین به این نتیجه رسیدیم که

فردوسی با پنجاه و چهار مورد بیشترین سوگنامه را داراست و عنصری و منوچهری فاقد هرگونه سوگنامه‌ای هستند. خاقانی نیز با چهل و هفت مورد سوگنامه، بعد از فردوسی در جایگاه دوم است. بیشترین سوگنامه رسمی با ده مورد و سوگنامه در حق شاعران و دانشمندان دیگر با هفده مورد از آن خاقانیست. با توجه به این نتایج چند نکته قابل ذکر است:

- ۱- سوگنامه سرایی همزاد شعر فارسی است، بنابراین از همان آغاز شعر فارسی (دوره رودکی) مورد توجه شاعران بوده است.
- ۲- شعرا در مرگ ممدوحان خود و بزرگان دربار، گاه از سر تکلیف ناچار بسرودن سوگنامه بوده اند و گاه بین شاعر و ممدوحان او بسبب حمایتها و محبتهای آنان یک رابطه عاطفی برقرار میشده و بسبب تعلق خاطری که به آنان داشته با مرگشان قلباً متأثر و متأسف میشدند و با احساس هر چه تمام سوگنامه‌ای در مرگ آنان میسرودند. انوری و خاقانی بسبب همین مدیحه سرایی و کثرت ممدوحان در بین شاعران این دوره بیشترین سوگنامه‌های رسمی و تشریفاتی را داشته اند.
- ۳- از بین شاعران این دوره، فقط کسایی، فردوسی و ناصر خسرو شاعران شیعه مذهب هستند. از این شاعران هم فقط دو سوگنامه در رثای امام حسین و یارانش سروده شده است. با توجه بتعداد اندک شاعران شیعه مذهب میبینیم که سوگنامه‌های مذهبی نسبت بدیگر سوگنامه‌ها بسامد کمتری دارند.
- ۴- از آنجا که شاعرانی مثل منوچهری و عنصری اهل طرب، خوشگذرانی، شادخواری و خوشباشی بوده اند، سوگنامه سرایی بشعر آنان راه پیدا نکرده است.
- ۵- فردوسی بسبب حجم بالای شعر، وجود داستانه‌های متعدد و بتبع آن شخصیت‌های گوناگون و فراوان، بالاترین بسامد سوگنامه را داراست.
- ۶- خاقانی نیز بسبب مسائل تربیتی و شرایط خاص زندگی دارای روحی لطیف، حساس و شکننده بوده بهمین دلیل در برخورد با مصیبت‌ها حساسیت بیشتری بخرج داده، در نتیجه سوگنامه‌های بیشتری هم سروده است.

منابع و مآخذ

۱. ارداویرافنامه. فیلیپ ژینیو. ترجمه ژاله آموزگار. بی نا. تهران. ۱۳۸۲.
- ۲- اقبال نامه نظامی. بکوشش حسن وحید دستگردی. علمی. تهران. ۱۳۶۳.
- ۳- با کاروان حله. عبدالحسین زرینکوب. انتشارات علمی. تهران. ۱۳۷۳.
۴. بررسی ریشه شناختی فعل‌های زبان پهلوی. یدالله منصوری. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. نشر آثار. تهران. ۱۳۸۴.

۵. بندهشن فرنیغ دادگی. مهرداد بهار. بی نا. تهران. ۱۳۶۹.
۶. تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان. احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه. بی نا. تهران. ۱۳۸۳.
- ۷ - خاقانی شاعر دیر آشنا. علی دشتی. امیر کبیر. تهران. ۱۳۵۵.
- ۸- خسرو و شیرین نظامی. بکوشش حسن وحید دستگردی. علمی. تهران. ۱۳۶۳.
- ۹- دانشنامه ادب فارسی. حسن انوشه. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران. ۱۳۷۶.
۱۰. دانشنامه مزدیسنا. جهانگیر اوشیدری. نشر مرکز. تهران. ۱۳۷۱.
- ۱۱ - دیوان انوری. بکوشش مدرس رضوی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران. ۱۳۳۷.
- ۱۲ - دیوان خاقانی. بکوشش ضیاءالدین سجادی. انتشارات زوار. تهران. ۱۳۷۳.
- ۱۳- دیوان رودکی. شرح و توضیح منوچهر دانش پژوه. انتشارات توس. تهران. ۱۳۷۴.
- ۱۴- دیوان فرخی. بکوشش محمد دبیرسیاقی. زوار. تهران. ۱۳۶۳.
- ۱۵ - دیوان ناصر خسرو. بکوشش مهدی محقق. انتشارات دانشگاه تهران. تهران. بی تا.
- ۱۶- زردشتیان باورها و آداب دینی آنها. مری بویس. ترجمه عسگر بهرامی. ققنوس. تهران. ۱۳۸۱.
- ۱۷- سخن و سخنوران. بدیع الزمان فروزانفر. خوارزمی. تهران. ۱۳۵۰.
- ۱۸- شاهنامه فردوسی. بکوشش سعید حمیدیان. دفتر نشر داد. تهران. ۱۳۷۴.
۱۹. شعر بیدروغ شعر بینقاب. عبدالحسین زرینکوب. ققنوس. تهران. ۱۳۶۳.
- ۲۰- شعر و ادب فارسی. زین العابدین مؤتمن. انتشارات زرین. تهران. ۱۳۶۴.
- ۲۱- کسایب مروزی. زندگی، اندیشه و شعر او. محمد امین ریاحی. انتشارات توس. تهران. ۱۳۶۷.
- ۲۲ - کلیات شمس. مولوی. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. امیر کبیر. تهران. ۱۳۵۵.
- ۲۳- گزینة اشعار رودکی. بکوشش خلیل خطیب رهبر. انتشارات صفی عیشاه. تهران. ۱۳۷۴.
۲۴. لغت نامه. علی اکبر دهخدا. مؤسسه چاپ و انتشارات روزنه. تهران. ۱۳۷۷.
- ۲۵ - لیلی و مجنون نظامی. بکوشش حسن وحید دستگردی. علمی. تهران. ۱۳۶۳.
۲۶. ماده های فعلهای فارسی دری. محسن ابوالقاسمی. ققنوس. تهران. ۱۳۷۳.
- ۲۷ - محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی. سعید نفیسی. بی جا. تهران. ۱۳۴۱.
- ۲۸- مرثیه سرایی در ایران. نصراله مامی. انتشارات جهاد دانشگاهی. اهواز. ۱۳۶۹.
۲۹. مینوی خرد. احمد تفضلی. توس. تهران. ۱۳۷۹.
- ۳۰- نگرشی بمرثیه سرایی در ایران. عبدالرضا افسری کرمانی. انتشارات اطلاعات. تهران. ۱۳۷۱.